

## بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی

( ۴ )

### هنر اسلامی در بستر جغرافیا

در گفتارهای پیشین، پیوند پدیده‌های جغرافیایی و بینش اسلامی و گوناگونی و پراکندگی گسترده آن باختصار مورد بررسی قرار گرفت. دریافتیم که چگونه روح تعالیم اسلامی با همسایه‌هایی در پدیده‌های جغرافیایی و عناصر شهری، در سرزمین‌هایی که از دیدگاه پیشینه فرهنگی و سنت‌های کهن تفاوت‌های آشکاری با هم دارند، - از نظر شکل خارجی و کاربرد - به وجود آورد. در این سخن به تحلیل پیوند هنر و بینش اسلامی در بستر جغرافیایی، می‌پردازیم. روح آموزش‌های اسلامی، چنان‌که نیک آگاهیم در شناخت مبدا هستی نهفته است و هنر اسلامی در خدمت تجلی ذات حق تعالی شکوفایی می‌یابد. هنر اسلامی در همه ابعاد خرد و کلان با شیوه‌های گوناگون و فراگیر همه‌جا «خدا» را می‌نمایاند و به توحید توجه دارد. به بیان روزه دوپاسکیه:

«زمینه بنیادین همه هنرهای صد درصد اسلامی، خدای «احد» و «واحد» است و مظهر این «وحدت» در کثرت است. یعنی هنری که بی‌شماری در یکتایی و یکتایی را در بی‌شماری نشان می‌دهد و هنرمند اسلامی بی آن‌که از فردیت خود رهایی یابد نمی‌تواند به نمایش این وحدت در کثرت پردازد...»<sup>۱</sup>.

۱- روزه دوپاسکیه، سرگذشت اسلام و سرنوشت انسان، ترجمه علی‌اکبر کمسایی، انجام کتاب، ۱۳۶۳، ص ۲۲۶.

از این رو هنر اسلامی در مسجد «خانه خدا» پیش از جاهای دیگر میدان پرواز می‌یابد و چنین مکانهایی، جولانگاه و همایش شکوهمندترین مظاهر هنر اسلامی می‌شود. هیأت کلی بنای مسجد، مناره‌ها، گنبد یا گنبدها، طاقها و ایوانهای سر به فلک کشیده، کتیبه‌هایی که نام جلاله «الله» را به تکرار در بر می‌گیرد و حاوی آیات و یا سوره‌هایی از قرآن کریم - کتاب آسمانی - می‌باشد همه به گونه‌ای معنی دار، ملهم از بینش اسلامی است. به قولی:

«هنر مجرد، مطلق و معنوی اسلام، از یک سود و به یک اعتبار، از ایمان به وحدانیت خدا منبث می‌گردد و از آن سرچشمه می‌گیرد که خود رد و طرد فکر باطل و خیال واهی دنیوی و مادی است و نوعی دفاع و جلوگیری از آن است... هنر اسلامی پیوسته کوشیده است که نشانه‌های یکتایی، یعنی آیات الهی را در کثرت و تعدد، پرتوافکن سازد یعنی هنر اسلامی، تابشی از وحدت در کثرت است... زمینه و موضوع یکتایی و توحید، که همه آفرینندگیهای منحصر به فرد هنر اسلامی را در بر می‌گیرد، بطور مشخص در هنر منظر سازی برد و دیوار و نگارگری در مساجد دیده می‌شود...»<sup>۲</sup>.

به واقع کار آفرین شیوه نمایش هنر اسلامی، کاربرد خط و خط‌نگاری هنری و نقشهای اسلیمی است.<sup>۳</sup> که هم در قالب صوری و ظاهری نمود و گیرایی شگرفی دارد و هم در انگاره روحی و محتوایی توان گذر از ورای اوجها و وصول به نهایت هستی «الله» را دارا می‌باشد.

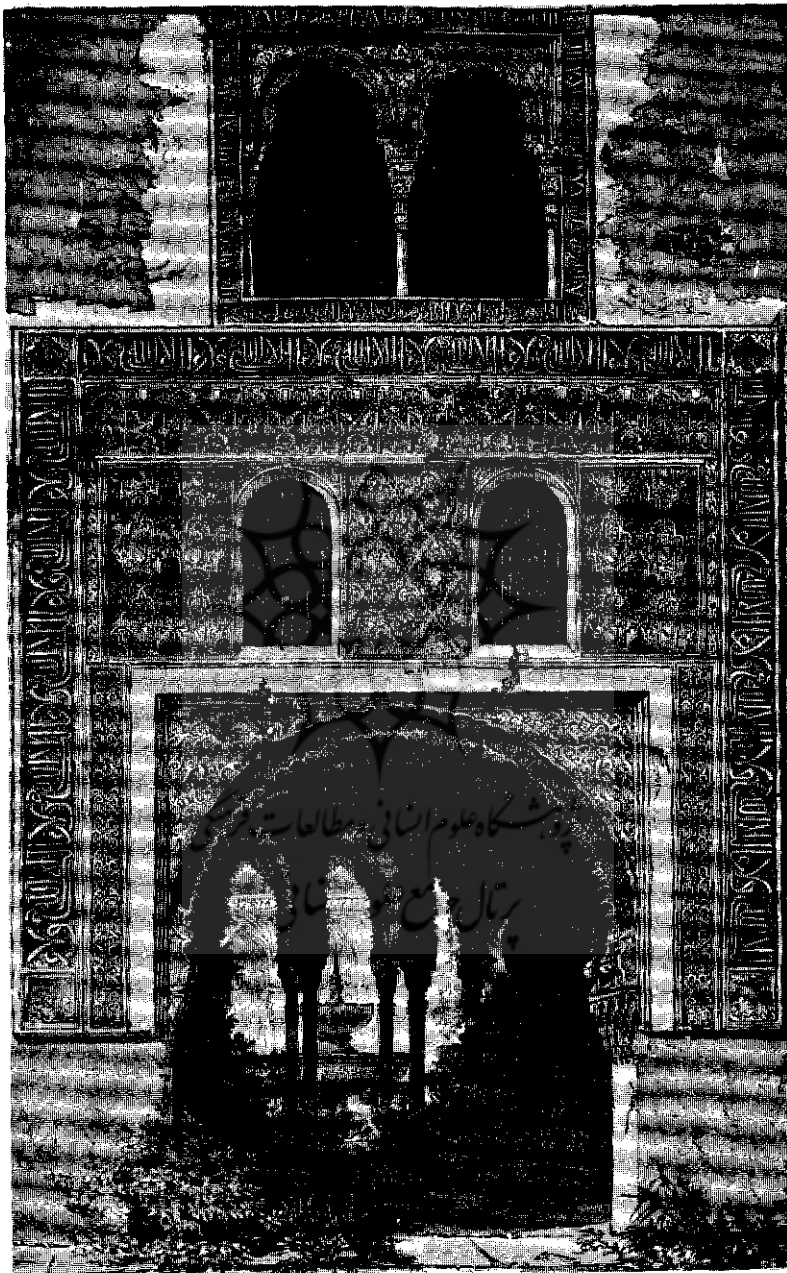
ستایشها از هنر خطاطی و قلم در اسلام بسیار و از آن جمله است:

- نون والقلم وما یسطرون<sup>۴</sup> «قسم به قلم و آنچه می‌نویسند»

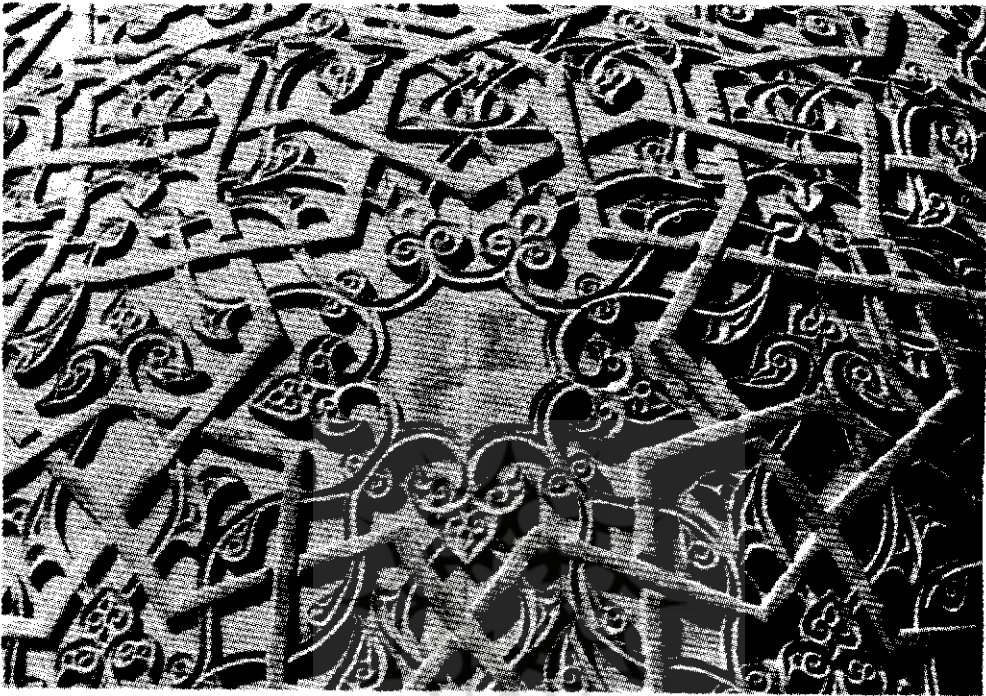
۲- همان، ص ۲۲۱.

۳- برای شناخت بیشتر مفهوم نقش اسلیمی رك: تیتوس بورکھات، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۶۸.

۴- سوره قلم/ ۱.



سردر ورودی تالار شیرها قصر الحمراء، گرانادا



بخشی از تزیینات گنبد گورقایت بیک در گورستان شمالی قاهره ، ازدوران مملوکان تزیینات نقشهای هندی درهم و گلهای اسلیمی گنبد را می پوشاند

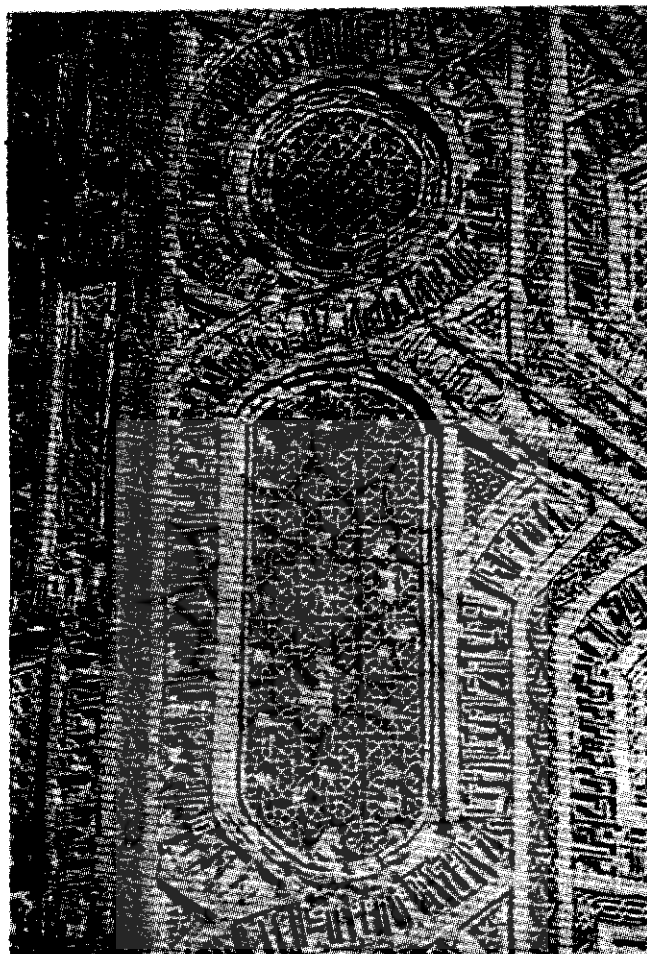
— بنا بر حدیثی قلم نخستین آفریده خداوند است.

( تحفة الخطاطین ص ۷ )

— خوشنویسی یعنی نمود ایزد در تعالیم او. شاید بتوان گفت که اسلام با برخورداری از حرکت پیوسته مواج خط عربی و توان آن دستخط، ... غنایی به هنر اسلامی می بخشد که سرشاری چندان کمتری نسبت به آن چه کتاب آسمانی می دهد ندارد ...

— ... قلم این بزرگ شمرده قرآن ، درخور افتخار ابدی دست و دیده است . « کنت برگ »<sup>۵</sup>.

۵— در مقدمه کتاب خوشنویسی و فرهنگ ، تألیف آنهاری شبمل ، ترجمه دکتر اسدالله آزاد ،



بخشی از تزئینات آجری منارهٔ جام . افغانستان ، سدهٔ ششم - هفتم هجری کتیبه آن مشتمل است بر سراسر سورهٔ مریم

— در حقیقت هنر خطاطی بخشی اساسی از تمامی «پیکره» فرهنگ جهان اسلام است<sup>۶</sup>

— هنر خطاطی در اسلام به مجموع پدیده‌های جهان اسلام متعلق است و نیز آن را از شریفترین هنرها می‌دانند. از آن رو که این هنر کلام وحی را در برابر دیدگان نمودار می‌سازد<sup>۷</sup>

هنر اسلامی که بیشتر با به کارگیری انواع شیوه‌های خوشنویسی خط عربی — از کوفی تا نستعلیق — و طراحیهای هندسی ویژه خود — اسلیمی — که غالباً در حول و حوش خطوط و به منظور و بهتر نمایاندن محتوای معنوی آن تجلی و تکامل یافته است، یکی از مشخصات آشکار پدیده‌های جغرافیایی مولود بینش اسلامی گردید. هنرمند مسلمان اوج و نهایت هنر خود را در تجلی «خالق» می‌یابد و برای نمایش آن ابزاری بهتر از خط و طراحیهای متناسب آن نمی‌یابد. به قول محقق:

«نشانه ایمان پیوسته نقش آفرین هنر اسلام است و این نشانه‌ای است که برای ابد معتبر خواهد بود»<sup>۸</sup>.

از این رو خط و خط‌نگاری و طراحیهای تبعی آن به عنوان والاترین ترینها در هنرهای اسلامی کاربرد گسترده‌ای در روی بناهای مهم و تاریخی سرزمینهای گسترده اسلامی یافته است و صفت بارز و مشخص بناهای شکوهمند اسلامی گشته است.

پاره‌ای از ناسیونالیست‌های افراطی بر آنند که: اسلام معماری و هنر ویژه‌ای ندارد، و بناهای دوران اسلامی به پیروی از اصول معماری پیشین نهاده شده است. «بررسی درستی و بی‌اندروستی این نظر را بر عهده کارشناسان متعهد می‌نهیم، ولی کیست که در گوشه‌ای از پهنه جهان، مسجد یا مدرسه و یا بنایی اسلامی را بنگرد، و آن را به منزله اثری اسلامی تمیز ندهد. طبیعی بنظر می‌رسد، مسجدی که در چین ساخته شده، با آن که در دل آفریقا و یا قلب آمریکا قامت برافراشته — از نظر اسلوب و اصول مهندسی و معماری همسان نباشد، ولی بی‌تردید، بسیاری از جهات مشترك: ترینات روی بناها

۷- هنر اسلامی، زبان و بیان، تیتوس بورتکهارت. ترجمه مسعود رجب‌نیا، ص ۵۷.

۸- کارل جی دوری، هنر اسلامی، ترجمه رضا بصیری، ص ۲۴۸.

همراه با کتیبه‌های خوش خط عربی و فضاهایی با کاربریهای همسان، برای ادای فرایض دینی، تمیز آنها را برای همگان آسان می‌سازد. به قول ژرژ مارسه:

«... آفریده‌های هنری اسلامی، که از لحاظ مکان هزارها کیلومتر با هم فاصله دارند و از لحاظ زمان، سده‌های گوناگون تاریخی را نور دیده‌اند همگی روح و پیوند خانوادگی واحدی را می‌نمایند... چنان که لهجه‌های گوناگون يك گویش - لاتینی یا عربی - ولو این که تمایزات محلی را بشدت بنمایاند، نمی‌تواند وحدت اصلی گویش مادری را نفی کند.»<sup>۹</sup>

هنر اسلامی، ملهم از بینش اسلامی، به صورت خط و کتیبه و نقشهای اسلیمی، کاربرد بسیار گسترده و چنان وسیعی یافته است که بدون تردید، رقیبی بر آن متصور نیست. نمونه‌های عالی هنر خطاطی و طراحی اسلامی، نه تنها زینت بخش مساجد، معابد، مشاهد مشرفه، مزارات می‌باشد، بلکه این هنر همجا درون و بیرون کاخها و قصور دوران اسلامی، بناهای شهری، بازار، کاروانسرا، آب‌انبار، سنگاب و سقاخانه، قالی و فرش، ظروف مسی، «سینی، بشقاب و آفتابه لگن و آبخوری و...» ابزار آلات جنگی مانند: «زره و نیزه و شمشیر و کلاه‌خود» چراغهای نفتی و قندیل، زیور آلات، مانند دستبند و گلوبند و... و حتی روی دانه برنجی یا تارمویی - گستره فراگیر خود را می‌نمایاند و افرادی را به سوی مشاغل چون معماری، فرش بافی، پارچه بافی، سفالگری، کوزه‌گری، شیشه‌گری، فولادسازی، برنج کاری، قفل و زنجیر سازی، مسگری، خطاطی، وراقی، جلدسازی، صحافی، مذهب کاری، قلمدان سازی و ساختن ابزارهای جنگی فرا می‌خواند و در راسته بازارهای اسلامی مقر و ویژه‌ای برای خود بر می‌گزیند و بستر جغرافیایی خاص خود را می‌نمایاند.



آبخوری دوره تیموری از جنس مفرغ قطر ۴/۵ متر وزن ۴ تن موزه ارمیتاژ ۱۳۹۹ میلادی

به بیانی دیگر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هنر در اسلام، دارای یک گستردگی خاصی است، یعنی شامل تمامی زندگی انسان می‌شود. از خانه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند. مسجدی که در آن نماز می‌خواند، بازاری که در آن به کسب مشغول است، کوچه‌ای که در آن رفت و آمد می‌کند و حتی قاشقی که با آن غذا می‌خورد و لیوانی که از آن آب می‌نوشد، تمام اینها فی الجمله مظاهر هنر هستند.<sup>۱۰</sup>

۱۰- غلامرضا اعوانی، تجلی جمال الهی در آیین خیال، فصلنامه هنر، بهار ۱۳۳۶،





تبر زین (از موزه یولیدو - پرزلی ، میلان )

ساده‌ترین و درعین حال پرمعناترین، ویژگی هنر اسلامی، در تکرار و گسترده‌گی طرح‌های تزئینی، چه در نقش‌های اسلیمی و چه در تزئینات نوشتاری، نهفته است، که خود تمثیلی است از وحدت بر کثرت و کثرت در وحدت. هدف غایی این هنر، توجه به آفرینندهٔ توانا و احساس تعهد در برابر اوست. از این رو در کاخ‌های الحمراء، جالب‌ترین تزئینات روی بنا با تکرار شعار ولا غالب الا الله نقش یافته است<sup>۱</sup> و در روی شمشیر و وسایل جنگی آیات



زره

گوناگونی از جمله لا اله الا الله و نصر من الله و فتح قریب را حاکم کرده اند<sup>۱۲</sup> که نمایشگر فکری و معنوی سلاح است که دنیای ناپایدار و گذرا را از ابدیت و جاودانگی جدایی کند و خطای درهم آمیختن امور نسبی را با مطلق از میان می برد .

در سده های اخیر سلطه سیاسی غرب بر جهان ، به منزله سدی در برابر امواج فراگیر هنری اسلامی گردید . استکبار جهانی با تعلیم یا تحمیل نظام فرهنگی خود به منزله « ابزار سلطه » نخست بر آن بود که مسلمانان را نسبت به ریشه هنر اسلامی - یا خاستگاه توحیدی آن - بی اعتنا نماید ، سپس با نشر گسترده هنر غربی و عرضه فرآورده های ماشینی - دستاورد تولید انبوه

۱۲- برای آگاهی بیشتر رك : ص ۱۴ . ۱۲۷ . Robert Elgood, Islamic Arms and Armour .

هنرهای سنتی را از کاربرد همگانی و عام - درخانه و اجتماع - بازداشت و در نتیجه پیوند بینش اسلامی و هنر در پدیده‌های جغرافیائی در محاق زوال قرار گرفت. فرهنگ مسلط استعماری در این راستا دو تدبیر به کار برد. نخست آن که به مدد ملی‌گرایان بر آن شد که هنرهای اسلامی را به‌عنوان هنر ملی و سنتی، به هدف زایل ساختن روح آموزنده و معنوی آن، بنمایاند و سپس با بی‌اهمیت نشان دادن معماری سنتی و جلوه دادن معماری مدرن اروپایی، کاربرد بناهای سنتی توأم با هنرهای اسلامی را بتدریج از مد نظر بیندازد.

با ورود کالاهای ماشینی خارجی و جایگزین کردن آن به جای فرآورده‌های سنتی داخلی، مجال حضور گسترده هنر اصیل متعهد بر روی ابزارهای عادی و عمومی - چون قلمدان و شمشیر و کوبه‌در و جام آبخوری، در ورودی و ..... از میان رفت، و شاخه‌های هنری در حیطه بسیار محدود و معدودی - و به عنوان هنر در خدمت هنر - محصور گشت. در نهایت هنر اسلامی از بناهای عمومی بجز مساجد و مزارات - که اگر جراتی می‌یافتند آن را هم از بین می‌بردند! - رخت بر بست و به سخن دیگر هنر از هماهنگی و همراهی با پدیده‌های جغرافیائی منتزع شد و راهی ویژه برای حرکت خود برگزید، مسیری دور از اصالت معنوی و روحی.

با گرایشی که امروز در میان مسلمانان به بازگشت به آیین خویش دیده می‌شود، امید فراوان است که دگر بار هنر اسلامی شکوفا شود و جایگاه نهادی خود را بازیابد. طلیعه این حرکت را پس از انقلاب اسلامی در ایران باروری آوردن به هنر خوشنویسی - یکی از مظاهر عمومی هنر اسلامی - می‌توان باز یافت.